

---

# جنسیت در واژگان ترجمه فارسی صفارزاده از قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۳

تاریخ تأیید: ۹۷/۹/۲۸

محمد رحیمی خویگانی

استادیار دانشگاه اصفهان - m.rahimi@fgn.ui.ac.ir

عسکر علی کریمی

استادیار دانشگاه اصفهان - askaralikarami@yahoo.com

حمید باقری دهبازر

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد میناب - hamid.bagheri953@yahoo.com

## چکیده

بررسی و تحلیل تأثیر جنسیت مترجم در گفتمان متن مقصد، یکی از مهم ترین زمینه های مطالعات ترجمه و نقطه پیوند آن با گفتمان پژوهی است که کمتر مورد توجه کسانی است که در دایره ترجمه از عربی به فارسی یا برعکس کار می کنند. به خاطر این امر، پژوهش حاضر قصد دارد با رویکرد تحلیل گفتمان نورمن فر کلاف و با کاربری نظریه «ارزش های سه گانه» او، به نوعی تحلیل از چگونگی بازنمایی گفتمان جنسیت در واژگان ترجمه طاهره صفارزاده از قرآن کریم برسد. یافته های این پژوهش بیان کننده این امر است که جنسیت مترجم در انتخاب های ترجمه ای او - در سطح واژگان - تأثیر داشته است، این انتخاب ها در سه گروه معادل یابی، افزایش و توضیحات داخل کمانک، هم واجد ارزش تجربی، هم دارای ارزش رابطه ای و هم تا حد فراوانی ارزش بیانی است.

## واژگان کلیدی:

قرآن کریم، ترجمه فارسی، طاهره صفارزاده، جنسیت، تحلیل گفتمان، نورمن فرکلاف.

### ۱. مقدمه

پرداختن به نقش و اهمیت جنسیت در زمینه‌های گوناگون علمی و ادبی، موضوعی است که از سوی متخصصان عرصه‌های گوناگون بارها و از جوانب متعدد بررسی شده است. این مسئله در دانش زبان‌شناسی و ترجمه هم - از زمانی نه چندان دور - توجه پژوهشگران این حیطه را به خود جلب کرده است و بسیاری کوشیده‌اند بر مبنای این اصل که جنسیت در زبان و گفتمان انسان تأثیر دارد، متون زنان را تحلیل نمایند و گفتمان جنسیتی حاکم بر آنها را تا حد ممکن مشخص کنند. یکی از مهم‌ترین تلاش‌ها در این عرصه از آن «شری سایمون» در کتاب جنسیت در ترجمه: هویت فرهنگی و سیاست‌های انتقال است (ماندی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۳).

از میان مترجمان فارسی قرآن از سالیان دور تا به امروز، زنان انگشت‌شماری را می‌یابیم که دست به ترجمه قرآن زده‌اند که از این میان ترجمه طاهره صفارزاده - به دلایل متعدد و از همه مهم‌تر شهرت مترجم - با اقبال مردم روبه‌رو شد. این ترجمه از سوی انتشارات جهان‌نمای کوثر در سال ۱۳۸۰ منتشر و تاکنون دو بار چاپ شده است.

اگر بپذیریم که زبان یک کنش اجتماعی است، ناگزیر باید بپذیریم این کنش - متناسب با فرهنگ اجتماعی کنشگر - می‌تواند دچار تغییر شود. یکی از مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی‌ای که شخصیت هر انسانی را می‌سازد و در زبان او تأثیر مستقیم دارد، جنسیت است. پژوهش حاضر با این فرض که جنسیت مترجم می‌تواند در انتخاب‌های ترجمه‌ای او تأثیر داشته باشد، تلاش دارد ترجمه فارسی صفارزاده از قرآن کریم را با تکیه بر مدل تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف بررسی کند و طبق نظریه ارزش‌های سه‌گانه ویژگی‌های صوری زبان، به نوعی تحلیل انتقادی از انتخاب‌های ترجمه‌ای یک مترجم زن در سطح واژگان دست یازد و پاسخی برای پرسش‌های زیر بیابد:

- طاهره صفارزاده به چه شکلی از واژگان دارای ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی برای ارائه معنای موردنظر خود سود جسته است؟

- دخالت‌های جنسیتی طاهره صفارزاده چه تغییراتی در دلالت‌های قرآنی پدید آورده

است؟

در باره پیشینه پژوهش باید گفت در خصوص ترجمه صفارزاده و نقش جنسیت در ترجمه، تاکنون پژوهش‌های چندی انجام شده که مهم‌ترین آنها از قرار زیر است:

مهدی مهریزی در مقاله «جنسیت و ترجمه قرآن کریم»، چاپ شده در مجله بینات، شماره ۴۹ و ۵۰، سال ۱۳۸۵، ص ۳۳-۴۱ کوشیده - به اختصار - با مقایسه ترجمه صفارزاده با ترجمه فولادوند نشان دهد ترجمه مردان و زنان، هم دارای اشتراک و در هم دارای اختلاف است. این مقاله به چرایی اختلاف‌ها و همچنین نوع آن اشاره‌ای نکرده است. پژوهش دیگر در این راستا از آن سوسن باستانی و مژگان دستوری است؛ این دو در مقاله «بررسی تأثیر جنسیت در گفتمان؛ مطالعه موردی دو ترجمه معاصر قرآن»، چاپ شده در مجله پژوهش زنان، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۶، ص ۳۰-۵۰ به مقایسه ترجمه صفارزاده و فولادوند با تکیه بر نظریه لوکا و موف پرداخته‌اند. در این مقاله از نظریه ارزش‌های سه‌گانه فرکلاف نیز به صورت پراکنده استفاده شده است. دیگر مقاله مرتبط از آن سالار منافی اناری و ملیحه قدرتی است؛ ایشان در مقاله‌ای با عنوان «نقش جنسیت مترجم در صحت ترجمه»، چاپ شده در مجله پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۵۴، سال ۱۳۸۸ به چگونگی تأثیر جنسیت در ترجمه یک رمان توسط یک مرد و یک زن پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که جنسیت در درستی ترجمه تأثیر بسزایی ندارد. آخرین پژوهش در این رابطه (طبق یافته‌ها) نگاشته هدی هادی‌پور و نجمه بهرامی نجف‌آبادی است. این دو پژوهشگر در مقاله «زبان زنانه و ترجمه، مطالعه موردی کاغذ دیواری زرد»، چاپ شده در مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، شماره ۲، سال ۱۳۹۶، تفاوت‌های ترجمه گروهی از دختران و پسران دانشجوی مترجمی را بررسی و اثبات کرده‌اند جنسیت تأثیر بسزایی در روند ترجمه دارد.

## ۱. مبانی نظری پژوهش

### ۱-۱. تأثیر جنسیت در ترجمه

بسیاری از جامعه‌شناسان و زیست‌شناسان میان جنس و جنسیت تفاوت قائل شده‌اند، جنس به تفاوت‌های فیزیکی بدن اشاره دارد؛ ولی جنسیت به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان می‌پردازد (گیدنز، ۱۳۷۴، ص ۱۷۵)؛ از این رو جنسیت را باید ناظر به ویژگی‌های شخصی و روانی‌ای بدانیم که جامعه تعیین می‌کند و با زن بودن یا مرد بودن و به اصطلاح مردانگی و زنانگی همراه است (باستانی، ۱۳۸۷، ص ۴۵)، زنان از نظر

زیستی دارای روحیات، عواطف و ذهنیات خاص خود هستند. آنان در نگارش به طور ناخودآگاه به دنبال موضوعات خاص می‌روند و با توجه به بینش و نگرش زنانه خود به موضوع می‌نگرند (طاللیان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۷)؛ بنابراین هم جنس و هم جنسیت منشأ ایجاد تفاوت‌های بسیاری میان زن و مرد است؛ اما باید بدانیم بسیاری از این تفاوت‌ها، تنها از سوی کلیشه‌های تکراری جامعه تعیین می‌شوند و معمولاً در میان فرهنگ‌های گوناگون، تا حد زیادی یکسان‌اند؛ برای نمونه در اغلب فرهنگ‌ها از مردان انتظار می‌رود محکم، جنگنده، کوشا و به دور از عاطفه باشند؛ درحالی‌که از زنان چیزی عکس این انتظار است. بنابراین نمی‌شود تصور کرد کسی که با این تفاوت‌ها و کلیشه‌ها بزرگ شده و مطابق با آنها آموزش دیده است، خود را برکنار از آنها بداند. از همین روست که زبان‌شناسان معتقدند تفاوت‌های جنسیتی حتماً نمودی در زبان زنانه به عنوان یک رفتار و کنش اجتماعی دارد. همین امر را ترجمه پژوهان درباره ترجمه صادق می‌دانند و می‌گویند تأثیر هویت جنسیتی بر ترجمه را نشان دهند (هادی‌پور و بهرامی، ۱۳۹۶، ص ۵۹۴). این پژوهشگران کوشیده‌اند با بررسی رابطه میان جنسیت و ترجمه، بعد زنانه ترجمه را آشکار کنند (هتیم و ماندی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۱)، ایشان معتقدند علت تفاوت در ترجمه زن و مرد از یک متن یکسان را باید در جنسیت و نوع نگاه ایدئولوژیک آنها به متن جست‌وجو کرد. «ونسا لئوناردی» (Venessa Leonardi) درباره تفاوت‌های به کارگیری زبان در میان زن و مرد معتقد است ایدئولوژی زن و مرد است که آنان را وا می‌دارد ساختارهای متفاوتی از زبان را در بستر اجتماعی به کار بندند (Venessa, 2007, p.38). وقتی مردان و زنان در انتخاب ساختار زبانی و سخن گفتن با هم متفاوت‌اند، بی‌گمان در گزینش‌های ترجمه‌ای که نوعی سخن گفتن است نیز با هم تفاوت دارند (Ibid, pp.39-40). این تفاوت‌های زبانی برآمده از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی است که این دو جنس را متفاوت از هم پرورش می‌دهد (Kremer, 1997, p.184). فلوتو نیز می‌گوید: «ترجمه مدت‌زمان زیادی برای زنان نشان‌دهنده این بود که آنان چگونه وارد حوزه عمومی اجتماع شوند؛ زنان با زبان مخصوص خود ترجمه می‌کنند و گفتمان خاص زنانه خود را در ترجمه می‌گنجانند (Flotow, 1997, p.12). مارگارت دوراس (marguerite duras) رمان‌نویس و مترجم فرانسوی نیز می‌گوید: «من فکر می‌کنم ادبیات زنان یک نوشته ترجمه‌شده و طبیعی است؛ ترجمه‌ای از تاریکی، [ترجمه‌ای] از ظلمت. زنان در تاریکی کشورها بوده‌اند؛ آنها حتی

خودشان را هم نمی‌شناختند یا اینکه بسیار کم می‌شناختند؛ لذا هنگامی که زنان می‌نویسند، تاریکی خودشان را به نمایش می‌گذارند. مردان ترجمه نمی‌کنند؛ آنها از یک عرصه نظری می‌آیند که مشخص و توضیح داده شده است؛ اما نوشته زنان معمولاً ترجمه‌ای از جهانی ناشناخته است؛ مانند یک راه جدید برای ارتباط به جای روش‌های معمولی زبان» (Duras، به نقل از Flotow, 1997, p.12). بنابراین باید پذیرفت ادبیات و به تبع آن ترجمه زنان دارای ویژگی‌ها و شکل‌های متفاوتی از ترجمه مردان است که در طرز بیان و انتخاب واژگان نشان‌پدیدار می‌شود. این انتخاب‌ها بیشتر به خاطر تثبیت موقعیت زنان در اجتماع و اثبات وجودی آنهاست.

سایمون معتقد است رابطه و شباهت بسیار زیادی میان زن و ترجمه است؛ همان‌گونه که زنان مدت‌ها انسان درجه دوم بوده‌اند، ترجمه نیز هیچ‌گاه متن مستقلی قلمداد نشده است؛ به سخن دیگر، هم زن و هم ترجمه دارند تلاش می‌کنند برای خود هویتی مستقل داشته باشند (Simon, 1996, Preface). به نظر او زنان در ترجمه‌هایشان به دنبال اثبات خود و جنسیت خود هستند و نمی‌توانند از این امر فرار کنند. او برای نمونه به نام‌هایی برای شخص دیگر اثر «لیزه گاوین» (Gauvin, 1984) اشاره می‌کند که یک مترجم زن به نام سوزان لوتبینه ره - هاروود (Susanne Lotbiniere-Harwood) آن را ترجمه کرده و در مقدمه نوشته است: «ترجمه من یک کار سیاسی است که به هدف به کارگیری زبان برای اهداف زنان انجام می‌شود؛ از این رو امضای من در پای ترجمه‌ام نشان‌دهنده این امر است که من تمام راهبردهای ترجمه‌ای را که زنانگی را در زبان نشان دهد، به کار برده‌ام» (Simon, 1996, p.14). سایمون با ردگیری این راهکارها و راهبردها به تک‌تک آنها اشاره می‌کند و از این واقعیت پرده بر می‌دارد که مترجم زنی چون هاروود نه تنها نمی‌خواهد از تأثیر جنسیت خود بر ترجمه و نوع سخنش فرار کند؛ بلکه - به گفته خودش - به دنبال ثبت زنانگی در اثر ترجمه‌ای است (Simon, 1996, pp.20-21). در این مقاله نیز - با توجه به این پیشینه مطالعاتی - تلاش می‌شود با به کارگیری الگوی فرکلاف، چگونگی ثبت زنانگی صفارزاده در ترجمه قرآن کریم به تصویر کشیده شود.

## ۱-۲. تحلیل گفتمان و ترجمه

گفتمان را شاید نتوان به سادگی در قالب یک تعریف منطقی گنجانند؛ این واژه در سال‌های اخیر یکی از مسائل بحث‌برانگیز بوده و نقشی اساسی در مطالعات ادبی و فلسفی داشته

است. «در آثار فرکلاف، گفتمان در انتزاعی‌ترین شکلش به کاربرد زبان به مثابه کنشی اجتماعی ارجاع پیدا می‌کند» (قهرمانی، ۱۳۹۳، ص ۴۷). فرکلاف می‌گوید: «من گفتمان را مجموعه‌ای به هم تافته از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی و متن می‌دانم و تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هریک از این سه بعد و روابط میان آنها را طلب می‌کند» (فرکلاف، ۱۳۸۹، ص ۹۸)، او با افزودن انتقادی به ترکیب تحلیل گفتمان می‌گوید: «استفاده من از اصطلاح انتقادی از یک سو در ارتباط است با تعهدی نسبت به نظریه و روش دیالکتیکی که چیزها را اساساً در پیوند متقابلشان به هم پیوستگی‌شان، حرکشان و هست و نیستشان می‌فهمد و از سوی دیگر مرتبط است با دیدگاهی که بر طبق آن ممکن است که در مسائل مربوط به انسان‌ها، پیوندهای متقابل و زنجیره‌های علت و معلولی تحریف شوند و از دیده پنهان بمانند؛ در نتیجه نقد اساساً عبارت است از آشکارسازی ارتباط متقابل بین چیزها» (همان، ص ۴۰).

فرکلاف با این ترکیب به دنبال آن است تا بیان کند گفتمان‌ها تحلیل‌پذیرند؛ به شرط آنکه آنها را نظامی هدفمند بدانیم و نظم حاکم بر آنها را طبیعی ندانیم. این طبیعی ندانستن چیزها، همان نگاه انتقادی است که فرکلاف به دنبال آن است. او برای تحلیل گفتمان، سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین را پیشنهاد می‌دهد. منظور از توصیف، تحلیل درون‌متنی یک متن است که شامل سه سطح واژگان، دستور و ساخت‌های متنی است. فرکلاف در سطح تفسیر به دنبال رابطه متن با مشارکان، گفتمان را جست‌وجو می‌کند و در سطح تبیین می‌گوید: «هدف از تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است، تبیین گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشد» (همان، ص ۲۴۵).

از آنجا که ره‌گیری انتقادی انتخاب‌های ترجمه‌ای - به عنوان یک متن - در هریک از سه سطح مطرح شده و حتی در هریک از زیرعنوان‌های آن می‌تواند به نتایج قابل تأملی در نقد ترجمه بینجامد، بسیاری کوشیده‌اند با الگوبرداری از این نظریه، از تحلیل انتقادی در نقد ترجمه استفاده کنند. شاید یکی از مهم‌ترین این افراد فرزانه فرحزاد باشد که در الگوی سه‌وجهی نقد ترجمه‌اش، یک وجه را به تحلیل انتقادی گفتمان اختصاص داده است (ر.ک: فرحزاد، ۱۳۹۰، ص ۳۰-۴۴). پژوهش حاضر نیز معتقد است با تکیه بر سطح توصیف و نظریه «ارزش‌های سه‌گانه واژگان» می‌توان به نقدی گفتمان‌محور از ترجمه دست یافت.

### ۱-۳. ارزش‌ها و کارکردهای سه‌گانه واژگان از منظر فرکلاف

فرکلاف معتقد است واژگان در هر متنی می‌توانند دارای این سه کارکرد ارزشی باشند: ارزش‌های تجربی، ارزش‌های رابطه‌ای و ارزش‌های بیانی (فرکلاف، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰). ارزش‌های تجربی: ویژگی صوری دارای ارزش تجربی ردپا و سرنخی از روشی به دست می‌دهد که در آن تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی می‌شود. ارزش تجربی با محتوا، دانش و اعتقادات مؤلف (مترجم) سروکار دارد. ارزش رابطه‌ای: ویژگی صوری دارای ارزش رابطه‌ای ردپا و سرنخی از آن دسته از روابط اجتماعی به دست می‌دهد که از طریق متن در گفت‌وگو به اجرا در می‌آیند. ارزش رابطه‌ای به گونه‌ای شفاف، با روابط اجتماعی سروکار دارد. ارزش بیانی: این ارزش‌ها با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سروکار دارد. جدول زیر برآیندی از این ارزش‌هاست.

ارزش‌ها و ویژگی‌ها	ابعاد معنایی	اثرات ساختنی
تجربی	محتواها	دانش / اعتقادات
رابطه‌ای	روابط	روابط اجتماعی
بیانی	فاعل‌ها	هویت‌های اجتماعی

### ۲. روش پژوهش

این پژوهش با مقابله میان متن ترجمه و متن آیاتی از قرآن که جنبه ایدئولوژیک آنان درباره زن و مرد پررنگ‌تر است، داده‌های فراوانی از انتخاب‌های جنسیتی صفارزاده در سطح واژگان را استخراج کرده و کوشیده تحت عناوینی جداگانه - متناسب با ماهیت معنایی داده‌ها - با رویکرد ارزش‌های سه‌گانه واژگانی آنها را تحلیل کند. برای این کار، واژگان در قالب «معادل‌یابی» و «افزایش واژگانی» و «واژگان داخل کمانک» بررسی و مشخص می‌شود که هر کدام از این واژه‌ها چه نوع ارزشی را به متن گفت‌وگو مقصد افزوده‌اند که در متن اصلی نبوده است.

### ۳. تحلیل داده‌ها

بنا بر داده‌های به دست آمده، انتخاب‌های ترجمه‌ای صفارزاده در بخش واژگان را می‌توان در سه دسته معادل‌یابی، افزایش واژگانی و واژگان داخل کمانک بررسی کرد. هریک از این دسته‌ها خود دربردارنده ارزش‌های صوری هستند که در ادامه ذکر می‌شود.

### ۳-۱. معادل یابی

#### ۳-۱-۱. معادل یابی با ارزش تجربی

معادل‌هایی که برآمده از اعتقاد و تجربه مترجم باشند، فراوان است که در اینجا به ذکر دو مورد بسنده می‌شود.

«نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ» (بقره: ۲۲۳).

زنان به مثابه کشتزار شمايند؛ هر وقت که بخواهید، با آنها [به روال طبیعی و برای حفظ نسل] آمیزش کنید و [با فرزندان صالح برای خود] اثر نیکی پیشاپیش بفرستید و از [نافرمانی] خداوند پرهیزید و بدانید که [سرانجام] او را ملاقات خواهید کرد و [ای پیامبر] مؤمنان را [به این خبر نیک] بشارت ده.

ترجمه این آیه افزایش‌ها و کمانک‌هایی نیز دارد که بعداً بدان پرداخته می‌شود، آنچه اکنون مهم است، معادل واژه «أنی» است. بر اهل فضل پوشیده نیست که اسم «أنی» در زبان عربی ناظر به سه معناست؛ «أنی» اسم مشترکی برای استفهام و شرط است. این واژه در مقام استفهام سه معنا دارد: «کیف» (چگونه)، مثل «أنی یحیی هذه اللہ بعد موتها» (بقره: ۲۵۹)، «من این» (از کجا؟) مثل «أنی لک هذا؟» (آل عمران: ۳۷)، و به معنای «متی» (کی؟). هر سه این معانی در آیه «فأتوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» وجود دارد (سیوطی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۴۷۹). قرطبی نیز می‌گوید: همه جمهور صحابه و تابعین بر این اجماع دارند که «أنی» در این آیه در هر سه وجه «کیف»، «من این» و «متی» آمده است؛ البته سیبویه تنها دو وجه «کیف» و «من این» را در نظر دارد (قرطبی، بی تا، ج ۳، ص ۸۹). ترجمه این واژه به «هر وقت» بیش از هر چیز نشان از اعتقاد تجربی و دانشی وی دارد.

«فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن: ۵۶).

در آن باغ‌های بهشتی حوریانی هستند با حجب و حیا و سربه‌زیر که دست هیچ نامحرمی از انسان و جن به آنها نرسیده است.

اینکه «قاصراتُ الطَّرْفِ» با «باحجاب و سربه‌زیر» معادل یابی شده، یک ارزش تجربی روشن دارد و برآمده از نوع تربیت فرهنگی زنان مسلمان ایرانی است که نگاه نکردن در به نامحرم را نشانه حجب و حیا می‌دانند.

#### ۳-۱-۲. معادل یابی با ارزش رابطه‌ای

معادل‌هایی که صفارزاده برگزیده و ارزش رابطه‌ای دارند، معمولاً بار جنسیتی ندارند و



واژه‌هایی خنثی هستند؛ برای این مسئله مثال‌های زیر را ذکر می‌کنیم:

«أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ هُنَّ» (بقره: ۱۸۷).

آمیزش جسمانی با همسرانتان در شب‌های ماه رمضان بر شما حلال مقرر شده است؛ آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها [نسبت به هم همچون رابطه تن و جامه نزدیک هستید و عیوب یکدیگر را می‌پوشانید].

واژه «همسر» در ترجمه، یک ارزش رابطه‌ای دارد و به طور مشخصی به رابطه یک زوج به دور از هر تمییز و ترجیح و برتری اشاره دارد. این واژه در زبان فارسی بر هر دو جنس زن و مرد اطلاق می‌شود. در فرهنگ معین آمده است: «دوست، رفیق؛ هم‌قدوقامت، هم‌شان، هم‌رتبه، نظیر، قرین، کفو، زن یا شوهر نسبت به یکدیگر» (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۱۱۳). استفاده از واژه «همسر» باعث شده در ترجمه صفارزاده روی گفتمان قرآنی به مردان کاملاً از میان برود و ترجمه فارسی هیچ بار جنسیتی نداشته باشد؛ به سخن دیگر، گویا خداوند به زن و مرد - بدون هیچ تبعیضی - گفته است در ماه مبارک رمضان می‌توانید با هم نزدیکی کنید؛ این کار برای شما حلال است. در این میان نباید از نقش بدون جنس بودن ضمائر فارسی نیز غافل شد؛ ضمائری که صراحت کمتری نسبت به ضمائر عربی دارند. به گفته یارمحمدی، عبارت پسر ارشد مهدی، پسر ارشد این مرد، پسر ارشد مرده، پسر ارشد مردی و بالاخره پسر ارشد او، همه دارای سطحی از صراحت هستند که در مورد آخر، کمترین میزان صراحت است (یارمحمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۲)، این امر به خاطر اشتراک ضمیر بین مرد و زن است که صراحت جمله‌های پیش را از میان می‌برد. همین امر را در آیه‌ای دیگر نیز می‌بینیم:

«وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ» (نساء: ۱۵).

و علیه همسرانتان، آنها که مرتکب زنا می‌شوند، چهار شاهد مرد از بین خودتان برای گواهی دعوت کنید.

در این آیه نیز همسر بار جنسیتی ندارد و این جمله‌های صفارزاده خطاب مشخصی ندارند؛ گویی خداوند به تمام مردم از زن و مرد - بدون هیچ تبعیضی - این گونه خطاب کرده و گفته چه مرد و چه زن می‌توانند هنگامی که همسرشان مرتکب زنا می‌شود، برای اثبات امر، چهار شاهد مرد بیاورند. در اینجا نیز ضمائر مشترک فارسی کمک شایانی به گفتمان رابطه‌ای صفارزاده کرده است. صفارزاده گفتمان قرآنی را به شکلی تغییر داده که

خطاب و روی صحبت از مردان به سوی هم مردان و هم زنان تغییر کند؛ کاری که تنها از انتخاب ترجمه‌ای او می‌آید. مثال دیگر:

«وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله: ۳).

کسانی که با (ظهار) از همسر خود جدا می‌شوند، در صورتی که از حرف خود برگردند و منصرف شوند، قبل از تماس جسمانی باید یک برده را به عنوان کفاره آزاد کنند. این توصیه‌ای شرعی است و خداوند به اعمال شما کاملاً آگاه است.

همان‌طور که مشخص است، در اینجا نیز به جای زنان از همسران استفاده شده تا معلوم نباشد مردان از ظهار سود می‌جویند و جدا می‌شوند یا زنان. بدیهی است مشخص نبودن امر را باید از منظر مخاطبی دید که ترجمه قرآن را می‌خواند و از درک خود قرآن یا معنای فقهی ظهار ناتوان است.

نکته شایان ذکر آنکه به نظر می‌رسد بهره‌گیری صفارزاده از واژه «همسر» به خاطر دلالت مثبت و تجربی‌ای است که در این واژه هست و در واژه «زن» نیست. برای تبیین موضوع، ترجمه دو آیه زیر را گواه می‌آوریم:

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَامْرَأَتِ لُوطٍ» (تحریم: ۱۰).

خداوند از میان زنانی که کفر ورزیده‌اند، زن نوح و زن لوط را به عنوان نمونه ذکر فرموده است.

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» (تحریم: ۱۱).

و خداوند از میان زنانی که ایمان آورده‌اند، همسر فرعون [آسیه] را به عنوان مثال ذکر فرموده است.

به نظر می‌رسد انتخاب واژه «زن» برای دو زنی که بد و پلید هستند و گزینش واژه «همسر» برای همسر خوب فرعون، از روی اتفاق نیست. مترجم به خوبی می‌دانسته کارکرد رابطه‌ای همسر در جامعه امروز بسیار گرامی و پربرتر از «زن» است؛ از این رو این واژه را برای آسیه برگزیده است. از همین جا باید گفت این دلالت معنایی بی‌گمان در گزینش‌های دیگر او که از آنها سخن رفت نیز دخیل بوده است.

افزون بر معادل خنثی که ارزش رابطه‌ای دارد، معادل‌های مؤدبانه نیز دارای این ارزش‌ها هستند. زبان‌شناسان معتقدند زنان مؤدبانه حرف می‌زنند و این بدان خاطر است که

عمری تحت سلطه مردان بوده‌اند. آنان برای اینکه بتوانند حمایت نداشتن اجتماعی را به سوی خود جلب کنند، صفات دل‌نشین بیشتری به کار می‌گیرند و مؤدبانه حرف می‌زنند (محمدی اصل، ۱۳۸۸، ص ۲۲). این مسئله البته می‌تواند برخاسته از حساسیت زنان به جایگاه اجتماعیشان نیز باشد که خود می‌تواند معلول تاریخچه بی‌ثباتی این جایگاه باشد. لیکاف که یکی از نخستین کسانی است که به تفاوت‌های زبانی زن و مرد پرداخته، معتقد است «تفاوت قدرت در میان زنان و مردان باعث به وجود آمدن مردانی حاکم و سلطه‌گر از یک سو و زنانی تابع و مطیع از سوی دیگر می‌شود. در اجتماع به‌طورنسبی زنان پایگاه اجتماعی کم‌ثبات‌تر و نقش‌های محدودتری دارند. این بی‌ثباتی و تزلزل اجتماعی در رفتار زبانی آنان بازتاب درخور ملاحظه‌ای دارد. در فرایند اجتماعی شدن، زنان فرا می‌گیرند محجوب، مؤدب و کمرو باشند و می‌آموزند که گفتار قاطعانه اصلاً شایسته یک زن نیست» (نقل از بهمنی ملطوق و مروی، ۱۳۹۳، ص ۸). این مسئله از مظلومیت زنان پرده بر می‌دارد؛ ولی دربردارنده ارزش رابطه‌ای است که میان زن و مرد در جامعه وجود دارد:

«وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰).

و چون آفریدگار پروردگار تو [ای پیامبر] به فرشتگان فرمود: «من در زمین از جانب خود حاکمی الهی خواهم گماشت». [فرشتگان] عرض کردند: «[آفریدگار پروردگار]! آیا در زمین موجودی را به سرپرستی می‌گماری که در آن به فساد و تباهی پردازد و خون مردمان بریزد؟ و حال آنکه ما پاکی مطلق ذات اقدس را شکر می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم». خداوند فرمود: «همانا من دانای چیزهایی هستم که شما نمی‌دانید». «قالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ ادْخُلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (اعراف: ۱۵۱). موسی عرض کرد: «آفریدگار پروردگار! من و برادرم را مورد عفو قرار بده و رحمت را شامل حال ما فرما که تو آن رحمت گستر بی‌همتا در قدرت هستی».

در سراسر ترجمه صفارزاده به‌نوعی رعایت ادب شده و هنگامی که فاعل «قال» خداوند بوده، به «فرمود» ترجمه شده و هنگامی که دیگرانی جز خدا فاعل آن بوده و خداوند را مورد خطاب قرار داده‌اند، به «عرض کردن» ترجمه شده است. این مسئله بدین شکل و با این عنایت - از دو سمت گفت‌وگو - تقریباً در ترجمه‌های دیگر بی‌سابقه و بی‌نمود و برآمده از زنانگی مترجم است.

## ۳-۱-۳. معادل با ارزش بیانی

«وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (نساء: ۲۵).

و هریک از شما که از لحاظ هزینه و امکانات مالی نتوانید با زنان پاک‌دامن و باایمان و آزاد ازدواج کنید، با کنیزان مؤمنی که مالک آنها هستید، ازدواج کنید و خداوند به ایمان شما داناست. شما هم‌نوع یکدیگر هستید.

انتخاب واژه «هم‌نوع» برای «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» به طور آشکاری واجد یک ارزش بیانی و برآمده از دغدغه اجتماعی و هویتی مترجم است؛ همان‌گونه که از سیاق آیه مشخص است، خداوند به کسانی که تمکن مالی ندارند تا با زنان آزاد ازدواج کنند، مجوز می‌دهد با کنیزان ازدواج کنند؛ چراکه تهیه شرایط زندگی و مهریه برای آنان آسان‌تر است؛ اما عده‌ای خود را برتر از کنیزان می‌دانستند و نمی‌خواستند بدین کار تن دهند. خداوند در این آیه بر این مطلب تأکید دارد که میان مسلمانان هیچ وجه برتری نیست و همه در دین یکسان‌اند و آزاد بودن و کنیز بودن نباید ملاک برتری جستن باشد (سیوطی و محلی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۸۵/مراغی، بی‌تا، ج ۵، ص ۹/سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۶۲۸). این برتری جستن‌ها به خاطر جنسیت و انسان شمردن یا نشمردن کنیزان نبوده؛ بلکه به خاطر مرتبه اجتماعی پایین آنها بوده است؛ امری که در رابطه با بردگان مرد نیز وجود داشت. بنابراین سیاق آیه افاده هم‌ترازی می‌کند؛ ولی واژه انتخاب‌شده از سوی مترجم افاده «هم‌نوعی» می‌کند و خواننده چنین تصور می‌کند که صحبت سر از نوع انسان دانستن یا ندانستن کنیزان است؛ حال آنکه این‌گونه نیست.

«وَيَسْتَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى» (بقره: ۲۲۲).

درباره گرفتاری ماهانه زنان می‌پرسند، بگو: یک نوع پلیدی رنج‌آور است.

بی‌گمان انتخاب «گرفتاری ماهانه» به جای واژه «الْمَحِيضِ» یک ارزش بیانی و برآمده بر متن ترجمه افزوده است. این ترکیب وصفی، نوعی اظهار مظلومیت و ابراز رنجوری پیاپی و ماهانه زنان در مقایسه با مردان است. همه می‌دانیم عادت ماهانه یکی از ویژگی‌های هویتی زن و مخصوص این جنس است که وقتی از آن به گرفتاری یاد می‌شود، نشان از رنجش خاطر مترجم از این ویژگی هویتی و جنسیتی است. این مسئله در واژه «پلیدی» نیز نمودار است. این واژه وقتی به عنوان معادلی برای «أَذَى» می‌آید، یعنی نه تنها عادت ماهانه

یک ویژگی هویتی رنج آور است، که پدیده‌ای پلید و دوست‌نداشتنی و خفت‌بار نیز به شمار می‌رود.

## ۳-۲. افزایش‌ها

اگر نگوئیم در ترجمه صفارزاده بعضی افزایش‌های فمینیستی است، باید گفت افزایش‌های زن‌مآبانه یا زنانه در آن وجود دارد. این افزایش‌ها گاهی ارزش تجربی و گاه رابطه‌ای دارند و زمانی نیز واجد ارزش بیانی و در راستای هویت اجتماعی مترجم هستند.

### ۳-۲-۱. افزایش با ارزش تجربی

برای مشخص شدن مسئله چند مثال ذکر می‌شود:

«وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَمَامِي النِّسَاءِ اللَّائِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ» (بقره: ۱۲۷).

[ای پیامبر!] درباره حقوق زنان از تو فتوا می‌خواهند، بگو: «خداوند با آیات قرآن که بر شما خوانده می‌شود، به شما درباره زنان فتوا می‌دهد و نیز درباره دختران یتیمی که حقوقشان را نمی‌دهید و میل دارید با آنها ازدواج کنید.

همان‌گونه که مشخص است، صفارزاده از واژه «حقوق» در کنار زنان سود جسته و با افزودن این واژه، نگاه زنانه خود به مسئله زنان را به شدت نشان داده است. حق آن است که در تفاسیر قرآنی و در تقدیر و تفسیر معنای «فی» به مواردی که دال بر حقوق و تکالیف زنان باشد، اشاره شده؛ مثلاً در مجمع‌البیان آمده است: «ای محمد! از تو درباره آنچه بر زنان و برای آنان واجب است، می‌پرسند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۸۰)؛ ولی نکته آنجاست که در ظاهر نص قرآن، یعنی «فی النساء» که ملاک ترجمه است، واژه «حقوق» نیامده - البته در مورد عبارت «مَا كُتِبَ لَهُنَّ» واژه حقوق می‌تواند صحیح باشد - و نباید تفسیر مترجم و برداشت شخصی‌اش در ترجمه داخل شود؛ از این رو این واژه از افزوده‌های جنسیت‌گرایانه صفارزاده و برآمده از نوع تجربه و اعتقاد اجتماعی و نهادینه یک زن است.

واژه حقوق در ترجمه آیه دیگری نیز افزوده شده که بسیار روشنگر است:

«وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لِيَتَّعِدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (بقره: ۲۳۱).

و هنگامی که همسر خود را طلاق دادید و زمان عده او به پایان رسید، یا به طرز شایسته ای او را نگاه دارید [پیوند برقرار کنید] یا به طریق شایسته و محترمانه جدا شوید و هرگز به

قصد زیان رساندن [و انتقام جویی] و تجاوز به مال و حقوق زن‌ها، نگاهشان ندارید و کسی که چنین کند، به خود ستم کرده است.

همان گونه که مشخص است، در این آیه نیز عبارت «حقوق زن‌ها»، ذکر شده که در اصل آیه نیست؛ ولی دارای یک ارزش تجربی و برآمده از اعتقاد مترجم در جامعه عصر حاضر است.

### ۲-۳. افزایش با ارزش رابطه‌ای

افزایش‌هایی که ارزش رابطه‌ای دارند، در ترجمه صفارزاده فراوان است و در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود. نخستین آیه‌ای که در اینجا باید بدان اشاره و در آن دقت فراوان کرد، آیه زیر از سوره مبارکه نساء است:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (نساء: ۳۴).

مردان سرپرست و پیشکار زنانند؛ به واسطه اینکه خداوند به دلایل خاص، برخی را بر برخی دیگر برتری عنایت فرموده و نیز به دلیل اینکه هزینه زندگی را مردان تأمین می‌کنند. پس زنان صالح، درستکار و فرمان‌بردارند و در غیاب همسر خود حافظ حقوق او و آنچه خداوند به حفظ آن امر فرموده است، می‌باشند. اگر [شما مردان] از نافرمانی همسران نگرانید، نخست آنها را نصیحت کنید؛ اگر فایده نکرد، از هم‌بستری با آنها دوری گزینید و اگر آن هم فایده نکرد، آنها را مختصری کتک بزنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند، دنبال یافتن راهی برای آزار آنها نباشید [که آزار بی‌دلیل از نشانه‌های ستمکار است]؛ همانا خداوند آن بزرگ بی‌همتا در والایی است.

در ترجمه صفارزاده چند واژه افزوده شده است: «پیشکار»، «به دلایل خاص»، «مختصری» که هر یک کارکرد خاصی دارند. واژه اول «پیشکار» است که معلوم نیست از کجا و با چه پشتوانه زبانی به ترجمه افزوده شده است. پیشکار در لغت‌نامه‌های فارسی به این معناست: «خادم، پیشخدمت، نوکر، شاگرد استادکار» (فرهنگ معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۹۵) و شاید با معنای «قیم» ربط ضعیفی داشته باشد. علامه طباطبایی در ذیل این آیه گفته است: «قیم یعنی کسی که عهده‌دار امور دیگری می‌شود و قوام، مبالغه همین قیم است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۳)، البته ارجاعات صفارزاده در ترجمه‌اش بیشتر به

تفسیر نمونه است و جالب است که در این تفسیر در ذیل این آیه، واژه «خدمتگزار» آمده و آیه این گونه ترجمه شده است: «مردان سرپرست و خدمتگزار زنان هستند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۶۹)؛ از این رو اصلاً عجیب نیست که مترجم از این تفسیر استفاده کرده و واژه «پیشکار» را در راستای اهداف زنانگی خود در ترجمه گنجانده باشد. البته ناصر مکارم شیرازی خود در ترجمه‌اش چنین واژه‌ای را نیاورده است. او می‌نویسد: «مردان سرپرست و نگهبان زنانند؛ به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۸۴).

این واژه با ارزش رابطه‌ای که با خود دارد، یک نوع تعدیل و ترسیم رابطه‌ای جدید میان مردان و زنان است. متن ترجمه تلاش دارد با این واژه، موقعیت زنان را در برابر مردان تثبیت کند و این رابطه را به شکل دیگری نشان دهد. البته نمی‌توان این واژه را تنها دارای ارزش رابطه‌ای دانست؛ چراکه ارزش تجربی نیز در آن هست؛ ولی پرواضح است که ارزش رابطه‌ای آن نمود بیشتری دارد.

واژه یا ترکیب افزوده شده دوم که باز ارزش رابطه‌ای دارد و در ادامه گفتمان تعدیل کننده نابرابری جنسی آمده، «به دلایل خاص» است. این عبارت به روشنی نشان می‌دهد صفارزاده نمی‌خواهد به آسانی از تفضیل مردان بر زنان بگذرد و می‌کوشد این تفضیل را وابسته به شرایط و دلایل خاصی بداند.

واژه سوم «مختصری» است که در کنار ترکیب «کتک بزید» آمده است. اگر این واژه در کمانک بیاید - از آنجا که برداشت تفسیری است - می‌تواند نظر مترجم باشد؛ ولی نباید در متن اصلی حاضر باشد؛ چراکه نوع ضرب را خداوند مشخص نکرده است و تعیین میزان کتک زدن و کم و زیادش از سوی مترجم، ارزش رابطه‌ای دارد که البته همراه ارزش تجربی و اعتقادی مترجم است.

شایان ذکر آنکه در تفاسیر و روایات از میزان ضرب، سخن به میان آمده است؛ مثلاً در احکام القرآن آمده است: «زدنی که جایی از زخم و شکستگی در بدن نماند» (ابن عربی، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۹) یا در بحرالمحیط ذکر شده: «زدن با چوب یا شلاق و تنها درد آور باشد و باعث شکستگی و و خون‌ریزی نشود» (اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۶۲۷). به هر حال آنچه هست، مربوط به برداشت است، نه اصل متن قرآن؛ بنابراین نباید در متن اصلی ترجمه آورده شود.

مورد دیگری که می‌شود بدان اشاره کرد، افزوده‌هایی است که در آیه زیر آمده است:  
«وَالَّذِينَ هُمْ لِأَعْتَابِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ»  
(مؤمنون: ۵-۶).

مؤمنان کسانی هستند که بر خواست‌های غریزی خود مسلط‌اند و از داشتن رابطه جنسی جز با همسران خود از زنان آزاد یا کنیزهایی که در جنگ با کفار مالک شده‌اند، پرهیز می‌کنند و در داشتن رابطه [با این دو گروه] ملامتی بر آنها نیست.  
در این آیه چند تغییر و افزایش وجود دارد: اول آنکه به جای «لِأَعْتَابِهِمْ حَافِظُونَ» که عبارتی کنایی است، معنای آن ذکر شده و از ترجمه لفظی آن - به خاطر رعایت ادب - پرهیز شده است. دوم آنکه پس از همسران «زنان آزاد» و بعد از کنیزان، جمله «که در جنگ با کفار مالک شده‌اند» به متن اصلی افزوده شده است. این هر دو افزایش واجد یک ارزش رابطه‌ای هستند و به خوبی مشخص می‌کنند روابط اجتماعی میان افراد جامعه باید چگونه باشد. مترجم کاملاً توضیح می‌دهد یک مرد ممکن است با همسر خود که یک زن آزاد است، رابطه داشته باشد یا با کنیزی که در جنگ با کافران تصاحب کرده است. این یعنی واژه «همسر» اولاً نباید بر کنیز اطلاق شود و ثانیاً هر زن تصاحب‌شده‌ای حکم کنیز ندارد و تنها باید در جنگ با کافران تصاحب شده باشد. معنای تلویحی دیگر این کلام آن است که امروزه کنیز داشتن - به خاطر حضور نیافتن مردان در جنگ با کافران - تقریباً منتفی و غیرقابل طرح است و مردان جامعه امروزی باید به رابطه با همسر خود بسنده کنند. البته ممکن است ایشان در ترجمه نگران خواننده‌ای عامی بوده که بدون اطلاع از موقعیت فرهنگی و تاریخی مفهوم کنیز، قرآن را می‌خواند؛ به همین دلیل عبارت «که در جنگ با کفار مالک شده‌اند» را افزوده تا خواننده گمان نکند مردان می‌توانند با خدمتکار زن خود نزدیکی داشته باشند. این مسئله نیز نیم‌نگاهی به زنانگی مترجم و اهمیت طرح این موضوع نزد او دارد.

### ۳-۲-۳. افزایش با ارزش بیانی

همان گونه که پیش از این نیز ذکر آن رفت، واژگانی ارزش بیانی دارند که حاوی معانی هویتی و فرهنگی باشند.

«نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۲۳).



زنان به مثابه کشتزار شمايند؛ هروقت که بخواهيد با آنها [به روال طبيعى و براى حفظ نسل] آمزش كنيد و [با فرزندان صالح براى خود] اثر نيكي پيشاپيش بفرستيد و از [نافرمانى خداوند بپرهيزيد و بدانيد که [سرانجام] او را ملاقات خواهيد کرد و [اى پيامبر!] مؤمنان را [به اين خبر نيک] بشارت ده.

کشتزار بودن زن، دقيقاً با هويت اجتماعى و تاريخى او سروکار دارد و افزوده شدن واژه «به مثابه» در کاستن معنا و کم کردن درجه آن تأثير فراوان دارد. در متن ترجمه، زن شبيه و به منزله کشتزار است و هويت اجتماعى او با واژه «به مثابه» ترفيع يافته و - از نظر مترجم - بهتر شده و از هم سنگ بودن با يک زمين و کشتزار فراتر رفته است.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ» (روم: ۲۱).

و از نشانه‌هاى قدرت خداوند اين است که همسرانى از نوع خودتان [انسان] براى شما خلق فرمود تا در جوار آنها احساس آرامش كنيد و در بين شما دوستى و الفت و مهربانى ايجاد فرمود؛ در همه اينها نشانه‌هاى از قدرت و حکمت الهى براى اهل تفکر نهفته است. همان گونه که مى‌بينيم، در اينجا نيز بحث از هويت اجتماعى است. مترجم زن خودآگاه يا ناخودآگاه در برابر اين هويت منفعل است و دوست دارد در ترجمه‌اش يکسانى بين دو جنس را نشان دهد. افزوده شدن «نوع» دلالت و تأکيد و ارزش بيانى‌اى است بر اينکه زن و مرد از يک جنس اند و بر ديگرى برترى ندارند. اين امر با واژه «انسان» که داخل کمانک است، تثبيت و تأکيد بيشترى مى‌يابد.

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور: ۳۱).

و [اى پيامبر!] به زنان مؤمن [نيز] بگو که از خيره شدن در چشم مرد نامحرم خوددارى کنند و بر اميال جسمانى خود مسلط باشند.

اضافه شدن واژگان «مرد نامحرم» يک ارزش بيانى آشکار دارد؛ اين واژه توضيحى است براى نوع فعلى که از سوى خدا خواسته شده است؛ به سخن ديگر، مترجم خواسته بگويد زنان نبايد چشم خود را بر هر چيزى ببندند و منظور قرآن بستن چشم بر مرد نامحرم است. اين امر به خاطر خارج کردن زن از دايره بسته هويت اجتماعى‌اى است که تنگ‌نظرى‌هاى متنوع در طول تاريخ بر او تحميل و او را محدود به پستوى خانه‌ها کرده است.

«وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا صَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ» (زخرف: ۱۷).

در صورتی که به هر کدام از این مردها تولد دختر را که خودش برای الرَّحْمَنِ فرزند قرار داده، خبر دهند، صورتش از شدت عصبانیت سیاه می‌شود و خشمش را فرو می‌برد [و به فکر زنده‌به‌گور کردن فرزند دختر یا متواری شدن از شهر و دیار خود می‌افتد].

در این آیه، واژه «دختر» به متن ترجمه افزوده شده است؛ هرچند از سیاق کلام مشخص است که منظور از آنچه برای خدا مثال می‌زند، همان فرزند دختر است؛ ولی این واژه در متن قرآن نیامده و نباید در متن ترجمه هم باشد. حضور این واژه، ارزشی بیانی برای هویت تاریخی و اجتماعی جنس مؤنث است.

### ۳-۳. کمانک‌ها

ترجمه صفارزاده افزون بر مقوله‌های معادل‌گزینی و افزایش واژگانی، در بردارنده‌ی واژگانی است که درون کمان‌های توضیحی آمده و واجد ارزش‌های مورد بحث این پژوهش است. شاید سخن نادرستی نباشد اگر بگوییم مترجم - تقریباً - در تمامی آیاتی که سخنی از زنان است، از کمانک‌های توضیحی سود جسته است.

### ۳-۳-۱. کمانک با ارزش تجربی

«نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ وَ قَدَّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۲۳)/

زنان به مثابه کشتزار شمایند، هر وقت که بخواهید با آنها [به روال طبیعی و برای حفظ نسل] آمیزش کنید....

همان‌گونه که می‌بینیم، عبارت قیدگونه «به روال طبیعی و برای حفظ نسل» در داخل کمانک و به عنوان توضیح نوع آمیزش آمده و دارای ارزشی تجربی و برآمده از عقاید مترجم است که آمیزش‌های غیرطبیعی را که منتج به حفظ نسل نمی‌شود، از دایره شمولیت این آیه خارج می‌کند. همان‌گونه که پیش از این نیز گفته شد، تشبیه زن به کشتزار، خود دال بر نوعیت آمیزش است و نیازی به این توضیحات نیست.

### ۳-۳-۲. کمانک با ارزش رابطه‌ای

«وَ امْرَأَةٌ مُّؤْمِنَةٌ إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (احزاب: ۵۰).

و نیز زن مؤمنی که خود را با رضایت بخواهد به پیامبر ببخشد؛ در صورتی که پیامبر

قصد ازدواج با او را داشته باشد. البته این نوع ازدواج [بدون مهریه] فقط برای تو که پیامبر هستی، مجاز است، نه سایر مؤمنان.

درباره این آیه و اینکه خداوند چه چیزی را مخصوص پیامبر می‌داند، اقوال متعددی است، فخر رازی معتقد است منعقد شدن ازدواج با لفظ «هبه» مخصوص رسول اکرم صلی الله علیه و آله است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۱۷۶). فراء هبه را ازدواج بدون مهر می‌داند و آن را مخصوص حضرت می‌خواند (فراء، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۵). همین امور را در تفسیر نمونه نیز که پشتوانه تفسیری ترجمه صفارزاده است، می‌بینیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۷۸). مترجم عبارت وارد شده داخل کمانک را به خاطر تأکید بر این امر آورده که ازدواج بدون مهر، مختص حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و کسی دیگر نمی‌تواند چنین کاری بکند. مشخص است که این عبارت یک ارزش رابطه‌ای دارد و مشخص کننده منع چنین رابطه‌ای برای دیگران و اختصاص آن به پیامبر است.

«تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَ تُؤَيِّ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ مَنْ ابْتَغَيْتَ مِّنْ عَزَلَتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُمْ وَ لَا يَحْزَنَ وَ يَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْنَهُنَّ كُلَّهُنَّ» (احزاب: ۵۱).

[ای پیامبر! به واسطه مسئولیت‌ها و وقت محدودی که در اختیار داری] نوبت همسران را می‌توانی تقدم و تأخر ببخشی و اگر یکی از آنها نوبتش به همین مناسبت فوت شد، می‌توانی دوباره آن را هنگامی که میسر است، جبران کنی. این تذکر و حکم برای این است که آنها از تو دلگیر نباشند و از آنچه [از وقت و سرپرستی و هزینه و امکانات] که به آنها می‌دهی، به امر خداوند خشنود و راضی باشند.

در اینجا هم یک حکم خاص برای پیامبر صلی الله علیه و آله آمده که مترجم کوشیده است خاص بودن آن را پررنگ کند و مانع از برداشت‌های متعدد دیگر بشود؛ به سخن دیگر، عبارت داخل کمانک واجد یک ارزش رابطه‌ای شبیه آن چیزی است که در مثال پیش ذکر شد که پیامبر صلی الله علیه و آله فقط به خاطر مسئولیتش می‌تواند چنین فاعلیتی در رابطه داشته باشد، نه کس دیگر.

۳-۳. کمانک با ارزش بیانی

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بَيْنًا وَ حَفَظَهُ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَقْبَابًا طَلٍ يَوْمُونَ وَ بِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ» (نحل: ۷۲).

خداوند برای شما از نوع خودتان [یعنی انسان] همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌ها [پدیدار فرمود] و از چیزهای خوب و حلال و پاکیزه به شما رزق و

روزی عنایت فرمود؛ آیا با وجود این دلایل، مردم به باطل ایمان می آورند و نعمات خداوند را منکر می شوند؟

از آنجاکه در مثال‌های پیشین در این باره سخن رفت، از تکرار پرهیز می شود و تنها به این نکته بسنده می کنیم که عبارت «یعنی انسان» تأکیدی بر این است که زن نیز انسان است و هویت او هیچ فرقی با مرد ندارد.

«وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» (اعراف: ۱۴۱).

و [یاد آورید ای بنی اسرائیل] زمانی که شما را از چنگال فرعونیان نجات خیر عنایت فرمودیم، آنها شما را به بدترین وجه شکنجه می کردند، پسرانان را [به منظور قطع نسل] می کشتند و زنانان را [جهت خدمتکاری] زنده می گذاشتند و این شرایط سخت، آزمونی بزرگ برای شما از جانب آفریدگار پروردگارتان بود.

یکی از مسائل هویتی که زنان را در طول تاریخ رنجانده است، سوء استفاده‌های جنسی از آنان است. عبارت «جهت خدمتکاری» تلاشی است برای پاک کردن تصور غالبی که در اذهان مخاطبان از زنده نگه داشتن زنان وجود دارد. به سخن دیگر، مترجم نتوانسته در برابر این امر بی تفاوت باشد و عبارتی را که واجد ارزش بیانی است، در کمانک گذاشته و به نوعی موضع مشخصی در برابر این بخش از هویت زنان اتخاذ کرده است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كُرْهَا» (نساء: ۱۹).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که زنان را [چون اموال] به ارث ببرید. در این آیه نیز «چون اموال» دارای یک ارزش بیانی است و مترجم با ذکر این عبارت، بر هویت انسانی و مستقل زنان تأکید کرده و کوشیده تصور تاریخی جزو اموال دانستن زنان را به چالش بکشد.

### نتایج

با دقت در ترجمه صفارزاده می توان به مواردی از تأثیر مستقیم جنسیت در انتخاب‌های واژگانی او در سه دایره معادل‌گزینی، افزایش و توضیحات داخل کمانک پی برد. او هم در حیطه ایجاد ارزش‌های تجربی و هم ارزش‌های رابطه‌ای و بیانی بسیار جنسیت‌گراست. تجربه فردی و اجتماعی صفارزاده که طبیعتاً متأثر از جنسیت اوست، باعث شده وی واژگانی را گزینش کند که دارای ارزش تجربی هستند. او با این کار به نوعی تجربه و فکر

خود را به مخاطب انتقال می‌دهد. صفارزاده با ارائه توضیحاتی داخل کمانک، ارزش‌های تجربی موردنظر خود را بیان کرده و با این کار - آگاهانه یا ناآگاهانه - دلالت‌های قرآنی را اندکی تغییر داده است؛ برای نمونه مترجم با افزایش چندین باره واژه «حقوق» به متن ترجمه، تحت تأثیر اعتقاد و دانش خود، ترجمه‌اش را دارای ارزش تجربی کرده و برای زنان حقوقی را متصور شده که در آیات ترجمه‌شده، تصریحی به آنها نیست.

مترجم از سوی دیگر تلاش کرده در ترجمه‌اش نوع رابطه‌ها را مشخص کند؛ او هم در انتخاب واژگان و هم در تغییرات و توضیحات، این مسئله را در ترجمه گنجانده و به‌خوبی نشان داده است؛ مثلاً مترجم بارها برای واژه «نِسَائِكُمْ»، «همسرانتان» را برگزیده که دارای ارزش رابطه‌ای است. او با این انتخاب، رابطه زن و مرد را رابطه همسری و هم‌سطحی می‌داند، نه چیز دیگر. با این انتخاب، مفاد آیه متوجه تنها مردان نیست و می‌تواند متوجه زنان نیز باشد. او همچنین با افزودن واژه «پیشکار» به سرپرست / «قَوَّامُونَ» و افزودن «مختصری» به «آنها را بزنید» / «اضْرِبُوهُنَّ» و افزودن «دلایل خاص» به «فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» که همه دارای ارزش رابطه‌ای هستند، نوع رابطه میان مرد و زن در جامعه را مشخص کرده و خطاب قرآنی را تحت الشعاع قرار داده است.

داده‌های مستخرج از ترجمه طاهره صفارزاده نشان می‌دهد وی به عنوان یک مترجم زن، دغدغه‌های هویتی مهمی داشته که مخصوص جنس اوست و کمتر در مورد مردان صدق می‌کند. اینکه اجتماع بشری، زن را - حتی در قرن بیست و یکم - به عنوان یک انسان پذیرند یا دارای حقوقی یکسان پندارند، مهم‌ترین دغدغه‌ای است که می‌شود از لابه‌لای گزینش‌های ترجمه‌ای صفارزاده استخراج کرد؛ مثلاً او با افزودن عبارت «یعنی انسان» در ترجمه آیه ۷۲ سوره نحل، به هویت یکسان زن و مرد اشاره کرده است؛ نیز در ترجمه آیه ۱۴۱ سوره اعراف و در توضیح «يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُم»، «جهت خدمتکاری» را داخل کمانک گذاشته تا اندکی از هویت بردگی جنسی زنان در طول تاریخ بکاهد و آن را بهبود بخشد. در آخرین مورد، او در ترجمه آیه ۱۹ سوره نور، بر انسان بودن زنان و اینکه آنان مانند اموال مرد نیستند، تأکید کرده است. همین امر درباره معادل‌یابی‌ها نیز درست است. او با افزودن «به مثابه» به «كشترار» / «حَرْثٌ» و همچنین «نوع» به «خودتان» / «أَنْفُسِكُمْ»، دو واژه با ارزش بیانی و در ارتباط با هویت اجتماعی و تاریخی زنان را استفاده کرده است و بدین شکل، یک بار بار معنایی کشتزار بودن زنان را فروکاسته و بار دیگر بر هم‌نوع بودن زن و مرد تأکید کرده است.

## منابع و مأخذ

## کتابها

- \* قرآن کریم با ترجمه طاهره صفارزاده؛ تهران: جهان‌نمای کوثر، ۱۳۸۰.
- \* قرآن کریم با ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: چ ۱، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
۳۵. ابن عربی، ابوبکر بن عبدالله؛ احکام القرآن؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۳۶. اندلسی، ابو حیان؛ بحرالمحیط فی التفسیر؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۳۷. باستانی، سوسن؛ جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر، ۱۳۸۷.
۳۸. سید قطب، ابراهیم الشاذلی؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت - القاهرة: دارالشرو، ۱۴۱۲ق.
۳۹. سیوطی، جلال‌الدین و جلال‌الدین المحلی؛ تفسیرالجلالین؛ بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.
۴۰. سیوطی، جلال‌الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ جزءان، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۹۹م.
۴۱. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: دفتر جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۷ق.
۴۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ چ ۱، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۴۳. فخر رازی، محمد بن عمر؛ مفاتیح‌الغیب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۴. فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد؛ معانی القرآن؛ مصر: الدارالمصریه للتألیف والنشر، [بی‌تا].
۴۵. فرکلاف، نورمن؛ تحلیل انتقادی گفتمان؛ ترجمه گروه مترجمان؛ تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۹.
۴۶. قرطبی، محمد بن احمد؛ تفسیر القرطبی؛ عشرون جزءان، بیروت: دارالفکر، [بی‌تا].
۴۷. قهرمانی، مریم؛ ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان؛ تهران: علم، ۱۳۹۳.
۴۸. گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نی، ۱۳۷۴.
۴۹. ماندی، جرمی؛ معرفی مطالعات ترجمه؛ ترجمه علی بهرامی و زینب تاجیک؛ چ ۱، ویراست سوم، تهران: رهنما، ۱۳۹۴.
۵۰. محمدی اصل، عباس؛ جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی؛ تهران: گل‌آذین، ۱۳۸۸.
۵۱. مراغی، احمد بن مصطفی؛ تفسیر المراغی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی‌تا].

۵۲. معین، محمد؛ فرهنگ معین؛ دو جلدی، چ ۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چ ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۵۴. هتیم، بزیل و جرمی ماندی؛ مرجعی پیشرفته برای ترجمه؛ ترجمه مریم جابر؛ تهران: سمت، ۱۳۹۳.
۵۵. یارمحمدی، لطف‌الله؛ درآمدی به گفتمان‌شناسی؛ تهران: هرمس، ۱۳۸۳.

#### مقاله‌ها

۵۶. بهمنی مطلق، یدالله و بهزاد مروی؛ «رابطه زبان و جنسیت در رمان شب‌های تهران»؛ مجله زبان و ادبیات فارسی، شماره ۷۶، ۱۳۹۳، ص ۷-۲۶.
۵۷. طالبیان، یحیی، علی تسنیمی و احمدرضا بیابانی؛ «بررسی زبان نوشتاری زنان بر اساس نظریه گفتمان جنسیتی»؛ مجله مطالعات نظریه و انواع ادبی، شماره ۳، ۱۳۹۵، ص ۷-۳۶.
۵۸. فرحزاد، فرزانه؛ «نقد ترجمه: ارائه مدلی سه‌وجهی»؛ مجله پژوهشنامه، شماره ۸۸، ۱۳۹۰، ص ۳۰-۴۸.
۵۹. هادی‌پور، هدی و نجمه بهرامی نجف‌آبادی؛ «زبان زنانه و ترجمه، مطالعه موردی کاغذ دیواری زرد»؛ مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، شماره ۲، ۱۳۹۶، ص ۵۸۹-۶۰۲.

#### منابع لاتین

60. Flotow, Luise von; *Translation and Gender: Translating in the 'Era of Feminism'*, London and New York: Routledge, 1997.
61. Kremer, Marion; *Person Reference and Gender in Translation: A Contrastive*; Hannover: Tübingen, 1997.
62. Leonardi, Venessa, Leonardi; *Gender and Ideology in Translation: Do Women and Men Translate Differently*; New York: Peterlang, 2007.
63. Simon, Sherry; *Gender in Translation*; London and New York: Routledge, 1996.